

شهادت امام سجاد (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



ولادت

پنجم شعبان، زاد روز مسعود امام همام، حضرت زین العابدین است که در سال 38 قمری در شهر مدینه، به دنیا آمد. او در خاندان پاک رسالت، قدم به دنیا گذاشت و جهانی از صفا، معنویت و دانش و بینش برای بشر به ارمغان آورد.

او آمد تا شیفتگان عبادت و سالکان راه معرفت و خداشناسی را، از سرچشمه زلال توحید و عرفان ناب محمدی سیراب سازد. پدرش امام حسین (علیه السلام) به سبب علاقه فراوانی که به پدر بزرگوارشان، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشتند، این مولود مبارک را «علی» نام نهادند.

خانواده

پدر ارجمند امام سجاد (علیه السلام) حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و مادر بزرگوارشان شهربانو، دختر آخرین پادشاه ساسانی، می‌باشد که پس از ولادت فرزندش با فاصله ای بسیار اندک جهان را بدرود گفت. حضرت

زین العابدین در دو سال پایانی دوران حکومت جدّشان، حضرت علی (علیه السلام) به دنیا آمدند. و همچنین در حدود ده سال از امامت عمویّش حضرت مجتبی (علیه السلام) و ده سال هم از دوران امامت پدر بزرگوارشان، را درک کردند که این امر سبب شد سه امام راستین به پرورش و تربیت او همت گمارند و دنیایی از فضایل اخلاقی و قداست‌ها بی‌پروانند و این موقعیتی بود که برای کم‌تر پیشوایی واقع می‌شد.

سجّاد

امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: پدرم علی بن الحسین (علیه السلام) هرگز نعمتی از خدا را یاد نمی‌کردند مگر آن‌که برای شکر آن نعمت، خدا را سجده می‌کردند،... و نیز هر گاه حق تعالی شری را از ایشان دفع می‌کرد که از آن بیم داشتند و یا مکر مکر کننده ای را دور می‌گرداند سجده می‌نمودند و همچنین بعد از فارغ شدن از نماز واجب و یا اصلاح میان دو کس برای شکر این توفیق سجده می‌کردند و در جمیع مواضع، سجود آن حضرت به چشم می‌خورد و به این سبب آن حضرت را «سجّاد» می‌گفتند.

زینت پرستندگان

امام سجّاد (علیه السلام) در امر عبادت و مناجات با حضرت حق از همگان پیشی گرفته بود، چندان که مورد سوال و حتی اعتراض خاندان و یاران خویش قرار می‌گرفت. امام (علیه السلام) در هنگام ادای فریضه نماز، چنان خوف خدا سراسر وجودش را فرا می‌گرفت که تمام اعضای بدنش می‌لرزید و چون وارد نماز می‌شد چنان خشک و بی‌حرکت می‌ایستاد که جز آنچه باد از لباسشان تکان می‌داد دیگر حرکتی از او مشاهده نمی‌شد. امام باقر (علیه السلام) عبادت پدرش را چنین توصیف می‌کنند: «پدرم در نماز قیامی داشتند چون قیام بنده‌ای ذلیل در پیشگاه سلطانی با شکوه و با هیبت، و نماز او چنان می‌نمود که نماز وداع است و گویی برای همیشه با آن خداحافظی می‌کند».

صدقات پنهانی

بسیاری از خانواده‌های محروم و نیازمند مدینه، شبانگاه از لطف و بخشش مردی ناشناس بهره‌مند می‌شدند که

هرگز او را نشناختند مگر زمانی که علی بن الحسین (علیه السلام) در گذشت. پس از آن بود که آن مرد ناشناس دیگر به سراغ آنان نیامد و دانستند آن امدادگر ناشناس، حضرت زین العابدین (علیه السلام) است. زُهری یکی از معاصران امام (علیه السلام) می‌گوید: «شب‌ی سرد و بارانی، علی بن الحسین (علیه السلام) را دیدم که آرد و هیزم بر پشت داشت و آن را برای فقیران می‌برد. گفتم: ای پسر رسول خدا، این چیست؟ حضرت فرمودند: سفری در پیش دارم و توشه آن را آماده کرده‌ام تا در جای امنی بگذارم. به امام گفتم: اجازه دهید من آن بار را حمل کنم؛ چراکه شأن شما بالاتر از این است، حضرت قبول نکردند و سپس فرمودند: من شأن خود را از حمل باری که در سفر از هلاک شدن نجاتم دهد و ورودم به مقصد را نیکو گرداند، برتر نمی‌دانم».

نشانه های شیعه

امام سجاد (علیه السلام) در ضمن فرمایشاتی نشانه های شیعه بودن را این گونه بیان می‌فرمایند: «شیعیان ما، با آثار عبادت و نیز سادگی و بی‌آلایشی در زندگی شناخته می‌شوند. در چهره های آنان آثار عبادت نمایان است... هنگامی که همه ساکت و خاموشند، آنان در تقدیس و تسبیح خدایند و آنگاه که همه خوابند، آنها به نماز و نیایش پروردگار می‌پردازند و آن وقت که دیگران در سرور و خوشی های زودگذر غرق می‌شوند، آنان در فکر اندیشه های درخشان و اصیل انسانی به سر می‌برند».

عفو و گذشت

روزی امام سجاد (علیه السلام) از منزل خارج شد. مردی به او رسید و ناگهان شروع به ناسزا گفتن به امام کرد. همراهان امام خواستند، جوابش را بگویند، ولی آن حضرت فرمود: «رهايش كنيد». سپس رو به آن مرد کرد و فرمود: «آيا حاجتي داري تا به تو كمك كنيم؟» آن مرد شرم‌منده شد و اظهار پشیمانی کرد و سرش را پایین انداخت. آن‌گاه امام دستور داد هزار درهم به او بدهند. آن مرد در حالی که برمی‌گشت می‌گفت: «گواهی می‌دهم که تو از فرزندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) هستی».

مناجات در کنار کعبه

أَصْمَعِي يَكِي از اصحاب امام سجاد می‌گوید: «در شبی مهتابی اطراف خانه خدا طواف می‌کردم. صدای زیبا و غم انگیزی گوش مرا نوازش داد. به دنبال صاحب صدا رفتم تا این‌که جوانی را دیدم که دست در پرده خانه کعبه افکنده و چنین مناجات می‌کند: ای پروردگار من، چشم‌های بندگان در خواب فرو رفته و ستارگان آسمان یکی پس از دیگری سر به افق مغرب گذاشته و از دیده‌ها پنهان گردیده و تو خداوند زنده و قیومی هستی که هرگز خواب تو را فرا نمی‌گیرد. در این دل شب پادشاهان در قصرهای خود را بسته و نگهبان گمارده اند و تنها دری که برای نیازمندان گشوده است در خانه توست و من اکنون، با تهی دستی به درگاه تو امید بسته‌ام...». أَصْمَعِي گوید: «آن قدر این جوان مناجات کرد که بی‌هوش شد و به روی زمین افتاد. چون نزدیک او رفتم و به دقت به صورتش خیره شدم، متوجه شدم او زین العابدین امام سجاد است.»

پادشاهی عبدالملک

دوران امامت امام سجاد (علیه السلام) بیشتر مصادف با دوره خلافت عبدالملک بن مروان بوده است. عبدالملک نخستین کسی بود که به صورت رسمی از فریضه امر به معروف و نهی از منکر جلوگیری کرد. او پس از کشتن عبدالله زبیر در یک سخنرانی عمومی گفت: هر کس مرا به تقوا دعوت کند، او را گردن می‌زنم! و بدین وسیله مردم را به خفقانی عمیق دعوت نمود. او برای اختناق بیشتر به قتل و غارت مردم می‌پرداخت امام سجاد (علیه السلام) در عصر حکومت عبدالملک در تنگنای فشارهای امنیتی، دوران سختی را می‌گذراندند.

احیای نهضت عاشورا

از سیاست‌های ثابت و همیشگی اهل بیت علیهما السلام بعد از شهادت سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) احیای نهضت عاشورا بود؛ زیرا نهضت عاشورا تابلوی زیبا و پرافتخار غیرت دینی و شجاعت و ظلم ستیزی و عدالت خواهی است و امامان معصوم با احیای آن می‌خواستند این ارزش‌ها را در جوامع مسلمان زنده نگه دارند. در این باره امام سجاد (علیه السلام) نقش به سزایی داشتند؛ چراکه در مدت 35 سال حیات پربرکتشان بعد از واقعه عاشورا، به روش‌های مختلف نهضت عاشورای حسینی را در جامعه زنده می‌کردند که خود مبارزه شدیدی علیه دستگاه حاکم به شمار می‌رفت. برخی اقدامات امام سجاد (علیه السلام) در این باره عبارت است از:

1. گریه مداوم بر سیدالشهداء (علیه السلام)؛

2. یادآوری وقایع عاشورا؛
3. توصیه حضرت به زیارت امام حسین (علیه السلام)؛
4. سجده بر تربت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و سفارش بدان.

افشای چهره امویان

واقعه کربلا از چهره پلید امویان پرده برداشت. اهل بیت علیهم السلام و در رأس آنان امام زین العابدین (علیه السلام) به عنوان پیام رسانان عاشورا نقش زیادی در شناساندن چهره پلید امویان به جامعه اسلامی داشتند. خطبه های امام سجاد (علیه السلام) در کوفه و شام و مدینه و مبارزات پیگیر آن حضرت در دوران حیاتشان بیشترین اثر را در این زمینه داشت.

تبیین مبانی اعتقادی و فرهنگی شیعه

با توجه به جوّ خفقانی که از سوی دستگاه اُموی در جامعه به وجود آمده بود، امام سجّاد (علیه السلام) نمی‌توانست اقدام صریحی علیه نظام کند، ولی از آن جا که امام هم باید مردم جامعه را هدایت و ارشاد نماید و جلوی تحریفات اسلام را بگیرد، در عرصه دعا وارد مبارزه شد. دعاهاى امام در عین این‌که حرکتی اخلاقی بود مبارزه ای آرام ولی ریشه کن کننده با دشمن به شمار می‌رفت. بنابراین مجموعه گران سنگ صحیفه سجّادیه - که در حقیقت دوره کاملی از معارف توحیدی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است - از امام بر جای ماند و چراغ هدایتی برای انسان‌ها و نسل‌های آینده بود. هم چنین رساله ای در حقوق و مواعظ و سخنانی در تفسیر قرآن از ایشان به یادگار مانده است.

پناهگاه اهل مدینه

در ماجرای واقعه حرّه که شامیان به مدینه هجوم بردند بسیاری از خانواده ها، همسر و فرزندان خود را به خانه امام سجاد (علیه السلام) فرستادند و از آن حضرت پناه خواستند و در پناه آن حضرت تا پایان اشغال مدینه به دست سپاه شام، در امنیت و سلامت به سر می‌بردند و از تعرّض شامیان در امان بودند. در برخی از منابع آمده

است که زمانی که سپاه یزید قصد مدینه کرد تا جان و مال و ناموس اهل مدینه را مورد تعرض قرار دهد، علی بن الحسین (علیه السلام) چهارصد تن را در میان خانه خود پناه داد و تا زمان برگشت سپاه و خروج آنها از مدینه از این چهارصد نفر پذیرایی می‌کرد.

انگیزه های قتل امام

دستگاه اموی با گذشت زمان به شیوه های مبارزاتی امام سجاد (علیه السلام) پی برد و دریافت که ادامه حیات امام با شرایط و اوضاع زمامداری آنها نمی‌سازد. لذا تصمیم به قتل حضرت گرفتند. به طور کلی می‌توان چهار عامل مهم را انگیزه دستگاه حاکم از قتل امام برشمرد:

1. وسعت نفوذ امام. در طول 35 سال بعد از واقعه کربلا، امام از طریق دعاها و نشر معارف اسلامی به تدریج توانست یارانش را منسجم کنند و آگاهی های لازم را به آنها بدهد که این خطر بزرگی برای دشمن به حساب می‌آمد؛

2. بغض و حسادت. عبدالملک، هشام و ولید و حتی جمعی از بزرگان بنی امیه به امام سجاد (علیه السلام) حسادت می‌ورزیدند؛ چرا که مردم از روی فهم و درایت به امام عرض ارادت می‌کردند؛

3. افشاگری. امام سجاد (علیه السلام) در فرصت‌های بسیار و از داستان شهادت پدر و اسارت و مظلومیت خود و خاندانش سخن ها می‌گفت که این خود نوعی افشاگری رسمی علیه ظلم بنی امیه بود؛

4. ترس از قیام. دستگاه خلافت تصوّر می‌کرد که اگر امام آلمی بلند کند بخاطر محبوبیت و نفوذ معنوی آن حضرت حتی کسانی که دوست اهل بیت هم نیستند زیر آن پرچم جمع می‌شوند و قیامی بزرگ علیه حکومت آنان به وجود خواهد آمد.

شهادت

حضرت سید الساجدین پس از گذراندن یک عمر پربرکت که در یکی از حساس‌ترین دوره های تاریخ اسلام واقع شد از ویژگی های مهمی در بین مردم برخوردار شده بود؛ چراکه فضایل و مکارم اخلاقی آن حضرت در هر مجلس و محفلی بیان می‌شد و در یک کلام امام در دل‌ها و عواطف مردم جا گرفته بود. این وضع بر امویان دشوار بود و آنها را می‌رنجاند و از همه کس بیشتر ولید بن عبدالملک کینه امام را در دل داشت. او بارها می‌گفت: «من تا وقتی که علی بن الحسین در دنیا باشد راحت نیستم». این بود که وقتی زمام سلطنت را به دست گرفت تصمیم گرفت امام را مسموم کند. لذا زهر کشنده ای برای کارگزارش در مدینه فرستاد و به او دستور داد تا این زهر را به امام بخوراند و آن نانجیب نیز دستور ولید را عملی کرد. زهر در بدن نازنین امام کارگر شد و بدین وسیله حضرت

در سن 57 سالگی در مدینه طیبه به شهادت رسید.

تشییع پیکر امام

پیکر پاک امام سجاد (علیه السلام) را در شهر مدینه تشییع کردند. در آن شهر از پیکر امام تشییع بی نظیری صورت گرفت؛ زیرا توده های مردم از مناطق مختلف بر جنازه حضرت حاضر شدند و همگی پریشان و گریان و دل شکسته جنازه مطهر حضرت را بر دوش می بردند. مردم در هاله ای از اشک با امام وداع می کردند. بدن مطهر حضرت سجاد (علیه السلام) را به قبرستان بقیع بردند و در قبری که در کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی (علیه السلام) آماده ساخته بودند به خاک سپردند.

امام از منظر علمای اهل تسنن

ذَهَبی یکی از بزرگان اهل سنت درباره امام سجاد می نویسد: «برای ایشان جلالت عجیبی بود و ایشان به سبب شرافت و سیادت و قدرت و هم چنین به دلیل علم و اهلیت و کمال عقلش هر آینه برای امامت شایسته است».

جاحظ که یکی از دانشمندان به نام اهل تسنن است نیز می گوید: «مردم با همه اختلاف مذاهبشان در مورد ایشان دارای وحدت نظر بودند و هیچ کس در تدبیر او تردید نداشت و احدی در تقدیم او بر دیگران در همه زمینه ها شک نداشت». و مهم تر از همه شافعی که خود یکی از پیشوایان چهارگانه اهل تسنن است می گوید: «همانا علی بن الحسین فقیه ترین اهل بیت است».

شاگردان مکتب امام (علیه السلام)

حضرت سجاد (علیه السلام) در مدت 35 سال امامت خود، افراد زیادی را تربیت کردند و برای تداوم مکتب اسلام ناب محمدی، توانستند آنان را از هر جهت آماده کنند که از آن جمله ثابت بن دنیار و معروف به ابوحمزه ثمالی است که به تعبیر امام رضا (علیه السلام) همچون سلمان در عصر خویش بود و هم چنین می توان به ابُوخالد کابُلّی، یحیی بن اُم الطَّوِیْل سَعید بن جُبَیر - که از نظر مقام علمی جایگاه رفیعی داشت - اشاره کرد. این افراد

جملگی از ممتازترین اصحاب و یاران امام سجاد (علیه السلام) بودند که همچون ستاره های درخشانی در آسمان علم و معرفت درخشیدند و پرتو افشانی کردند.

سخنان کوتاه از امام سجاد (علیه السلام)

سه چیز نجات بخش مؤمن است: این که زبانش را از غیبت مردم باز دارد، خود را به چیزی مشغول کند که در دنیا و آخرت او را سود دهد و بر گناهان، بسیار گریه کند.

نگاه محبت آمیز مؤمن به صورت برادر ایمانی خود، عبادت است.

نشان معرفت (خداشناسی) و کمال دین مسلمان، ترک سخنان بیهوده، کم تر جدل کردن، و بردباری و خوش خویی است.

مبادا به گناهی که می کنی شادمان شوی که شادمانی به گناه، بدتر از ارتکاب آن است.

در شگفتم از آن کسی که از طعام از ترس زیان آن می پرهیزد، اما از گناه به سبب زشتی آن نمی پرهیزد.

همه خیر در این است که انسان خود را (از آلودگی ها) نگه دارد.

شرافت در فروتنی، و عزت در پرهیزگاری، و بی نیازی در قناعت است.

اگر مردم بدانند که در طلب علم چه فوایدی است، آن را می طلبند، اگر چه با ریختن خون دل و فرو فتن در گرداب ها باشد.

هر کس خود را گرامی داند، دنیا نزد او خوار است.

در عزای سیّد سجاد

جای آن دارد که بارد آسمان خون بر زمین	در عزای سیّد سجّاد، زین العابدین
آنچه او دید از جفای کوفیان و شامیان	کافر مگر هیچ کس دیده است ظلمی این چنین
سی و شش سال از پس قتل پدر در کربلا	روز و شب کاری نبودش غیر زاری و غمین
گاه برنی جلوه گر دیدی سر پاک حسین	گاه خوردی تا زیانه از غلامان حصین
خویش را از اهل دین خواندند آن بی دین گروه	وانگهی بستند در زنجیر کین، سلطان دین

(نصیر اصفهانی)